



داستان بدون پیام

یکی از سازه‌های داستان، «درون‌مایه» است که به آن پیام یا مضمون یا فکر اصلی یا تم (Theme) نیز می‌گویند. پیش از این در مبحث سوزبه به درون مایه اشاره‌هایی کرده‌ام و از تفاوت فکر اولیه (سوزبه) با فکر اصلی (درون مایه) گفته بودیم. گفتیم درون مایه همان دیدگاه و سمت گیری نویسنده درباره موضوع داستان است و اگر موضوع داستان معروف «گردن‌بند» اثر گئی دوموپاسان «امانت‌داری» باشد، پیام احتمالی‌اش چنین چیزی است: «زدایی اخلاقی همچون خودبینی یا سطحی‌نگری، انسان را به خاک سیاه می‌نشاند!» یا اگر موضوع «اندوه» آنتون چخوف را «مرگ فرزندان» در نظر بگیریم، شاید درون‌مایه‌اش چنین چیزی باشد: «انسان ذاتاً مخلوقی تنهاست و این تنهایی ذاتی را هیچ اتفاقی رفع نمی‌کند.» درون‌مایه جهت‌گیری نویسنده درباره موضوع است، اما این گزاره به توضیح نیاز دارد. موضوعات مفاهیمی هستند که داستان درباره آن نوشته می‌شود مانند تنهایی، عشق، حسادت، مرگ، جنگ، صلح و ... نویسنده اگر بخواهد درباره یکی از این مفاهیم داستان و رمان بیافزیند، باتوجه‌به جهان‌بینی و نگاهش به هستی به مفهوم مدنظر خواهد پرداخت و جهت‌گیری خودش را عرضه خواهد کرد. موضوع آن چیزی است که «هست» یعنی در دنیا عشق و جنگ و حسادت و کینه و بخشش و از این دست مفاهیم وجود دارد؛ این در حالی است که درون‌مایه یا پیام، مبتنی بر چیزی است که از دید نویسنده «باید باشد» (همان‌طور که واقعیت آن است که «وجود دارد» اما حقیقت چیزی است که «باید باشد»). برای نمونه، ممکن است نویسنده اعتقاد داشته باشد انسان‌ها در هیچ اوضاع و شرایطی نباید با هم بجنگند. بنابراین، او امجارها و شخصیت‌ها و دیگر سازه‌های داستانش با موضوع جنگ را به گونه‌ای خلق می‌کند که همه با هم پیامش مبنی بر منع جنگ میان آدم‌ها را برسانند، چرا که در اینجا حقیقت بایسته از نگاه او این است: انسان‌ها نباید با هم بجنگند. وقتی این جهان و هستی از دید نویسنده‌ای، زیبا و هدفمندو با نظم باشد، پیام داستان‌های او نیز حاوی نگره‌هایی مبتنی بر مثبت‌اندیشی و امید و قوت‌قلب است. اما هنگامی که نویسنده جهان را جایی ترسناک و ناامیدکننده و پوچ بداند، پیام نوشته‌هایش منفی‌نگرانه و هیچ‌انگار و بیم‌دهنده خواهد بود. البته مباحث حوزه اندیشه پیچیده‌تر از این حرف‌هاست و این‌گونه نیست که سیاهی و سپیدی به‌سادگی از هم جدا شوند. نویسنده ممکن است به جبر باور داشته باشد یا به عکس، انسان را در امور زندگانی‌اش مخلوقی مختار بداند یا نگاهی بینابین داشته باشد. غرض از تفکیک‌هایی که آوردیم، توجه‌دادن خواننده این مطلب به تأثیر نوع جهان‌بینی در شکل‌دادن به پیام داستان است. روی‌هم‌رفته، باید بدانیم درون‌مایه یا پیام، معنایی روشن و سراسرت نیست که مخاطب به‌آسانی آن را دریافت کند، بلکه حقیقتی کلی از دید نویسنده درباره زندگی یا انسان یا جهان است که مخاطب باید باتوجه‌به ماجراها و شخصیت‌ها و دیگر سازه‌های داستان آن را کشف کند. همچنین، همه داستان‌ها به یک اندازه پیچیده نیستند و پیام برخی راحت‌تر به‌دست می‌آید و بیش از پیام دیگر نویسندگان در دسترس است. اما به‌رحال، آثاری وجود دارد که یافتن درون‌مایه‌اش چنان دشوار است که هر منتقد و داستان‌خوانی برداشتی درباره آن دارد و چه‌بسا هیچ‌یک از این برداشت‌ها شبیه دیگری نباشد! حتی گاهی خود نویسنده نمی‌داند چه پیامی داشته است، زیرا او به‌شکلی غریزی یا شهودی یا حسی، ماجراجایی را ساخته و پرداخته و پیامش در لایه‌های زیرین داستان نهفته مانده است تا هر صاحب‌نظری، بسته به مطالعات و فهم و درک خود برداشتی از آن داشته باشد. ما دست کم به تعداد نویسندگان، درون‌مایه داریم، چرا که هر نویسنده‌ای می‌تواند پیام مخصوص به خودش را برای خواننده‌اش داشته باشد. همچنین داستان‌هایی نوشته می‌شود که درون‌مایه خاصی نمی‌توان از آن بیرون کشید، مانند بسیاری از داستان‌های سرگرم‌کننده پلیسی و ترسناک و ماجراجویانه و داستانی که درون‌مایه نداشته باشد، داستانی خنثی است و نمی‌تواند تأثیر بسزایی بر خواننده یا اجتماع بگذارد و بدیهی است نبود درون‌مایه با دشواری دریافت درون‌مایه تفاوت دارد؛ پس اگر پیام داستانی را به‌راحتی درنیافتیم، معنایش این نیست که آن اثر بی‌بهره از پیام و درون‌مایه است.

این حروف مقطعه یادآور برخی آیات قرآن است و معنایش، رمزی بین حضرت حق و پیامبر (ص). این کتاب نیز گویی می‌خواهد از رموز ذاتی یک رهبر و عالم دینی سخن بگوید. الف و لام در زبان عربی نشانه معروف بودن است و نویسنده نیز قصد دارد تا یکی از معروف‌ترین شخصیت‌های تاریخ معاصر را معرفی کند. این کتاب یکی از دقیق‌ترین انواع زندگی‌نامه است و در دو بخش اصلی تدوین شده است، بخش نخست، روایتگر زندگی علمی امام خمینی(ع) است که بیش از چهل سال از عمر ایشان را در بر می‌گیرد. بخش دوم نیز زندگی سیاسی حضرت امام است که از اواسط سال ۱۳۴۱ شمسی آغاز می‌شود و با فراز و نشیب‌های فراوان در سال ۱۳۵۷، به‌پیروزی نهضت‌اسلامی می‌انجامد.

تبار و خاندان امام، فرازهایی از دوران کودکی، گذار از مرزهای نوجوانی و جوانی، فتح قله‌های علم و دانش، عبور از پندها و زایش اندیشه‌های حق طلبانه، مقاطعی حساس از تاریخ و ... از مهم‌ترین فصل‌های این کتاب محسوب می‌شود. این کتاب نوشته هدایت ... بهبودی است و مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی آن را منتشر کرده است.

زین قنطاری

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

❶ ترکیب‌های اضافی و وصفی با کسر ه و دو تکیه‌آورایی خواننده می‌شود و با فاصله می‌آید؛ مانند: شهر مشهد، گل زیبا؛ هر چند که نوشته‌نمی‌شود؛ اما گاهی این ترکیب‌ها به‌صورت یک واحد واژگانی مرکب درمی‌آیند کسر ه آن خفیف است. در این صورت، هر یک تکیه‌آورایی خواهد داشت و هم نیم فاصله نوشته می‌شود؛ مانند: پشت‌بام، غیرمعقول، پشم‌شیشه، تخت‌خواب، حسن نیت، دست کم، سنگ‌قبر، فوق‌لیسانس، کسر بودجه، مهد کودک و ...

#زین قنطاری

از این غم عبور خواهیم کرد

نگاهی به مجموعه غزل «مهر» سروده کوثر خدایین



معرفی کتاب

مهدی فرجی، شاعر، در مقاله ای که در یکی از شماره‌های «وزن دنیا» نوشته است، می‌گوید شعر برای کسی فروش قرمز پهن نکرده است و از میان جماعتی که به این وادی گرایش دارند و می‌خواهند به صورت جدی در این راه قدم بگذارند، آن‌هایی موفق‌ترند که تلاش و استمرار و علاقه بیشتری دارند. کوثر خدایین را شاید باید یکی از همین آدم‌ها دانست. شاعری خوش‌فریحه که سابقه شرکت در کارگاه‌های شعر مهدی فرجی را نیز دارد و با سروده‌های تروتمیز و خوش‌خوان و خوش‌ساختش به‌خوبی ثابت کرده‌است که از تلاش و استمرار و علاقه چیزی کم ندارد. نکته‌ای که به‌روشنی در اشعار او نیز نمود دارد و با یک مرتبه‌تورق هم می‌توان به آن رسید؛ اشعاری با کلمات درست که در جای درست

گپ‌وگفتی با نویسنده کتاب «۷روز»، داستانی که به حضور یک مشهدی در بحبوحه اشغال سوسنگرد می‌پردازد

زن‌ها قشر دیده‌نشده جنگ هستند



در قالب داستان بگنجانیم، مخاطب خیلی راحت با آن ارتباط می‌گیرد تا اینکه بخواهد مستندنگاری بخواند یا تاریخ شفاهی زندگی یک نفر را. به‌ویژه نسل امروز که خیلی دارد با این مفاهیم فاصله پیدا می‌کند، مگر بچه‌های این دوره و زمانه چه تصویری دارند از آن روزها و آن اتفاقات؟ به‌نظم جنگ می‌تواند عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد. آدم‌ها در روزهای جنگ و در لحظاتی که فشار زیادی به آن‌ها وارد می‌شود، واقعی‌ترین چهره خود را به نمایش می‌گذارند. پس چرا از این ظرفیت برای قصه‌پردازی و خلق شخصیت‌های جذاب استفاده نکنیم؟ «۵۷روز» اولین اثری است که در حوزه داستانی به‌قلم مهدی غلام‌پور منتشر شده است. برخلاف این اثر داستانی، در حوزه تاریخ‌شفاهی و مستندنگاری آثاری از او منتشر شده است. غلام‌پور بعد از «۵۷روز» سه کتاب دیگر نوشته است که دوتای آن چاپ شده و یکی دیگر هم در دست چاپ است که به‌زندگی یکی از شهدای امنیت می‌پردازد.

البته برای یک گزارشگر که باید به‌صورت زنده و با سرعت گزارشگری کند، حضور ذهن برای یادآوری واژه‌ها کار چندان آسانی نیست، اما اگر از دایره واژگانی بیشتری برخوردار باشد، بی‌گمان در زیباترشدن گزارش او اثرگذار است. علاوه‌بر این، گزارشگری که مطالعه داشته باشد، می‌تواند با بهره‌گیری از امثال و اشعار و اصطلاحات زبان گفتاری و رایج در میان مردم، به جذابیت گزارشش بیفزاید. چند نمونه موفق از پیمان یوسفی را یادداشت‌کردم که مرور می‌کنیم. برای اینکه تیم حریف را پر تعداد تصویر کند، گفت: «انگار قشون کشی کرده‌است، برای اینکه دفاع محکم یک تیم را توصیف کند، گفت: «همه روزنه‌ها بسته‌است و مری چیزی روبه قضا و قدر نرسپرده است. برای اینکه حمله یک تیم

مانند همین «من حیث المجموع»، در جایی هم خوانده بودم که «این گزارشگر در هر گزارشی، یکی دو جمله جالب می‌گوید که فکر ما را برای مدت‌ها به خودمشغول و بیشتر سعی می‌کند از ادبیات خاص استفاده کند و به‌قولی ادبیات شاهنامه‌ای به‌کار ببرد، جالب بود که در یکی از برنامه‌ها خودش در همین چندشب پیش اقرار کرد که از حجم آن کلمه‌ها و تعبیرهای سنگین واداری و عربی و کلیشه‌ای فاصله گرفته است. دقت در گزارش‌ها نشان می‌دهد که مانند خیلی‌جا‌های دیگر دست‌گزارشگران از داشتن واژه‌های زیاد و متنوع خالی است. فقرواژه برای یک نویسنده و مجری و سخنران و گزارشگر، بدترین ضعف است؛ چون سرمایه اصلی او کلمه است و هرچه کلمه بیشتر داشته باشد، موفق‌تر است.

مهم‌ترین چالش‌های خبرنگاران و نویسندگان، در حدی است که به‌دلیل کمبود واژه‌ها، مجبورند از واژه‌های تکراری و کلیشه‌ای استفاده کنند. این مشکل را می‌توان با استفاده از واژه‌های متنوع و استفاده از واژه‌های ساده و شکیل که در دسترس است، حل کرد. این کار نیازمند دقت و تمرکز است.

مهم‌ترین چالش‌های خبرنگاران و نویسندگان، در حدی است که به‌دلیل کمبود واژه‌ها، مجبورند از واژه‌های تکراری و کلیشه‌ای استفاده کنند. این مشکل را می‌توان با استفاده از واژه‌های متنوع و استفاده از واژه‌های ساده و شکیل که در دسترس است، حل کرد. این کار نیازمند دقت و تمرکز است.

عنوان اولین و تنها مجموعه چاپ‌شده کوثر خدایین است که سال گذشته به همت نشر شالگردن به چاپ رسید. کتابی دربردارنده ۴۴ غزل که به قول خودش حاصل کلنجارهای موسمی یک زن است: «در جست‌وجوی خویشتن، به واژه‌ها رسیدم. کنارشان که دم، دیدمش! شعر را که جایی آن‌سوی واژه‌ها پنهان شده بود... دفتری که پیش‌روی شماست، حاصل کلنجارهای موسمی زنی است، امید که گاه جادوی هم‌حسی را در این صفحات بیابید.» کتاب را که ورق بزنید، هر غزل آن مزین است به نام کسی که به سنت قدردانی نامی از آن‌ها برده شده است و باز به‌قول شاعرش: «سعی این بود که نامشان را برای هویت بخشیدن به غزلی وام بگیرم که بیشتر دوستش داشتند.»

مهم‌ترین چالش‌های خبرنگاران و نویسندگان، در حدی است که به‌دلیل کمبود واژه‌ها، مجبورند از واژه‌های تکراری و کلیشه‌ای استفاده کنند. این مشکل را می‌توان با استفاده از واژه‌های متنوع و استفاده از واژه‌های ساده و شکیل که در دسترس است، حل کرد. این کار نیازمند دقت و تمرکز است.

مهم‌ترین چالش‌های خبرنگاران و نویسندگان، در حدی است که به‌دلیل کمبود واژه‌ها، مجبورند از واژه‌های تکراری و کلیشه‌ای استفاده کنند. این مشکل را می‌توان با استفاده از واژه‌های متنوع و استفاده از واژه‌های ساده و شکیل که در دسترس است، حل کرد. این کار نیازمند دقت و تمرکز است.

مهم‌ترین چالش‌های خبرنگاران و نویسندگان، در حدی است که به‌دلیل کمبود واژه‌ها، مجبورند از واژه‌های تکراری و کلیشه‌ای استفاده کنند. این مشکل را می‌توان با استفاده از واژه‌های متنوع و استفاده از واژه‌های ساده و شکیل که در دسترس است، حل کرد. این کار نیازمند دقت و تمرکز است.

مهم‌ترین چالش‌های خبرنگاران و نویسندگان، در حدی است که به‌دلیل کمبود واژه‌ها، مجبورند از واژه‌های تکراری و کلیشه‌ای استفاده کنند. این مشکل را می‌توان با استفاده از واژه‌های متنوع و استفاده از واژه‌های ساده و شکیل که در دسترس است، حل کرد. این کار نیازمند دقت و تمرکز است.

مهم‌ترین چالش‌های خبرنگاران و نویسندگان، در حدی است که به‌دلیل کمبود واژه‌ها، مجبورند از واژه‌های تکراری و کلیشه‌ای استفاده کنند. این مشکل را می‌توان با استفاده از واژه‌های متنوع و استفاده از واژه‌های ساده و شکیل که در دسترس است، حل کرد. این کار نیازمند دقت و تمرکز است.

مهم‌ترین چالش‌های خبرنگاران و نویسندگان، در حدی است که به‌دلیل کمبود واژه‌ها، مجبورند از واژه‌های تکراری و کلیشه‌ای استفاده کنند. این مشکل را می‌توان با استفاده از واژه‌های متنوع و استفاده از واژه‌های ساده و شکیل که در دسترس است، حل کرد. این کار نیازمند دقت و تمرکز است.

زین قنطاری

من حیث المجموع!

یادداشت

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

❶ ترکیب‌های اضافی و وصفی با کسر ه و دو تکیه‌آورایی خواننده می‌شود و با فاصله می‌آید؛ مانند: شهر مشهد، گل زیبا؛ هر چند که نوشته‌نمی‌شود؛ اما گاهی این ترکیب‌ها به‌صورت یک واحد واژگانی مرکب درمی‌آیند کسر ه آن خفیف است. در این صورت، هر یک تکیه‌آورایی خواهد داشت و هم نیم فاصله نوشته می‌شود؛ مانند: پشت‌بام، غیرمعقول، پشم‌شیشه، تخت‌خواب، حسن نیت، دست کم، سنگ‌قبر، فوق‌لیسانس، کسر بودجه، مهد کودک و ...

#زین قنطاری

به نظمم جنگ می‌تواند

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد. آدم‌ها در روزهای جنگ و در لحظاتی که فشار زیادی به آن‌ها وارد می‌شود، واقعی‌ترین چهره خود را به نمایش می‌گذارند. پس چرا از این ظرفیت برای قصه‌پردازی و خلق شخصیت‌های جذاب استفاده نکنیم؟

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد

عریان‌ترین چهره انسان را نشان بدهد